

- ۹ - فراهم آوردن اسباب حفريات و جمع اوری آثار کشف شده .
۱۰ - چاپ کردن بعضی از نقشه های آثار ملی بارنک و چسباندن آنها به دیوارهای تمام ادارات دولتی و مدارس و باینطریق آگاه نمودن مردم از اهمیت آنها .
۱۱ - در هر ایالت تأسیس نمود یک موزه و تخصیص دادن آثار قدیمه هر ایالت بموزه خود آن .
۱۲ - جمع اوری کتابهاییکه در باره آثار قدیمه ایران اروپائیا نوشته اند و نشر دادن یک مجموعه مخصوص در باره آثار قدیمه .
برلین - طاهرزاده تبریزی

اراده قوی و کامیابی

بقلم خباب مهربان شهناز معلم مدرسه شهزیاری در کرمان
از جمله چیزهاییکه در ترقی هر قوم یا هر ملتی مدخلیت تامه دارد اراده قوی است . اراده قوی یگانه عاملی است که شخص را در میان طوفانهای سهمگین رنج و سختی قوه قلب بخشیده و از غوطه ور شدن در کرداب نومیدی و یاس و امیر هاند و بعبارة اخری هر مانعی را در زیر پای خود پایمال نموده او را بکوی معشوقه مراد مبرساند و دلدادۀ مقصود را بکف او تسلیم مینماید . حقیقه کسی که تخم این درخت مشعر را در سینه خود کاشت و در پروردن آن کوشش نمود در پی نخواهد گذشت که آن درخت بالان شده و میوه های لذیذ

روحبخش بار آورده و پرورانده خود را از ان ثمرات بهره مند خواهد ساخت و دو صد چندان زحمات او را جبران خواهد کرد. آری دارنده اراده قوی و عزم آهنین در هر کاری که قدم نهاد اگر به مواجهه با کوه کوه مشکلات هم گردد ولی باز همه وقت بدستگیری این پهلوان زور مند آنها را رد نموده و کوههای موانع را فرهاد وار از پیش خود بر خواهد کند و معشوقه ارزو را در بغل خواهد گرفت. برای اینکه شمه از نتایج این موهبت عظمی معلوم گردد نکارنده حکایتی که یکی از دانشمندان و تاریخ نویسان بزرگ اروپا موسوم به « اسمیل سموئل » در یکی از تألیفات خود (۱) ذکر کرده و مقصودش اثبات قوه اراده بوده تحریف مینمایم و در اینجا با اجازه آقایان گرام بیان میکنم :

وقتی حاکمی نوکرش را طلبیده و نمیتوانی که نشیمنگاه خودش بود باو نشان داد و امر کرد که آنرا نزد نجاری برای تعمیر ببرد. نوکر متثال امر او را نموده و آنرا نزد یکی از نجارهای ماهر برد و در خواست تعمیر آنرا نمود. نجار خواهش او را لبیک اجابت گفته و مانند کسیکه بمقصودی نائل شده باشد فرح و ابتهاج فوق العاده سراسر وجودش را بگرفت و از همان دقیقه سایر کارهایش را بیکسو نهاد و توجه خود را برای سختن ان جمع کرد و یکروز کامل با دقت هر چه تمامتر مشغول کار بود و چنان در ساختن و رنگ و روغن زدن ان اهتمام

(۱) « سلف هاپ » « امداد خویش » کتابی است که بیان میکند که انسان قادر است خود را بمقامات عالیه صعود دهد و به مقصود نائل گردد

داشت و توجه بکار میبرد که يك دقیقه سر از کار بر نمیداشت و ابتدا ملتفت رفت و آمد این و آن نمیشد گوئی طائر روحش در عالم بالا پرواز مینمود. خلاصه تا عصر آن را به بهترین وجهی تعمیر و رنگ کرده بشخص موصوف پس فرستاد. پسرش که ناظر اعمال و احوال او بود از آن تغییر حالت که به پدرش دست داده بود و نیز از آنهمه دقت و توجه که در باره آن نیمکت نموده بود تعجب کرد و تصور نمود که البته باید سببی در کار باشد. بنابر این پس از اینکه پدرش دمی اسود و نفسی براحت کشید تعجب خود را باو اظهار داشت و خواهش نمود که سبب آن تغییر حال و آنهمه رنج و زحمت که برای آن کشیده بود برای او بیان کند. پدر تبسمی نموده گفت اری تعجب شما در اینمورد بجااست چرا که از مکنون ضمیر من آگاهی ندارید و اگر خواسته باشید که از سر آن آگاه گردید یکدقیقه گوش دهید که شمه از آن را برای شما تقل کنم. بدانکه مدت مدیدی است که من ارزوی رسیدن بمقام حاکمی را در دل خود می پرورانم و اگر چه در نیل بمقصود گرفتار مشکلات و سختیهای میشوم اما یقین دارم که در سایه عزم فولادی خود به ارزوی خود کامیاب و روی آن نیمکت که آنهمه زحمت برای آن کشیدم خواهم نشست پس حالا شما میفهمید که آنهمه زحمت در حقیقت برای خودم بود نه برای غیر. و از قراریکه گوینده این حکایت در پایان بیان میکند چنین استنباط میشود که بالاخره آن نجار به مقصود خویش نائل و روی همان نیمکت جلوس نمود.

اگر درست فکر کنیم می بینیم که پیغمبران بزرگوار که جهان را

از لوٹ ناپاکی و ناپاکان پاك و جهانیان را از کجروی جدا و براه یکتا شناسی و خدا پرستی پویا ساخته بدستیاری همین حربه بوده است .
بلی با عزم آهنین دست بدست یکدیگر داده و هزار گونه سختی و بلا را بجان خریدند و طوفانهای سختی و تندبادهای بدبختی را نسیمی ملایم انگاشتند تا اینکه طاقت آتش بخرمن کفر و جهل زدند و طلمیان را مطیع اوامر نور افشان خود نمودند .
افرین بر روان پاك و مرجبا بر عزم راسخشان . اگر بکنه فرمایشات انها پی ببریم می بینیم که تمام انها مردم را بداشتن چنین صفت فرخنده که ضامن کامیابی است فرمان داده اند چنانکه پیغمبر ایرانیان قدیم اشوزردشت در مسئله جهاد با اهریمن و مبارزه با اهریمنان مردم را به پایداری و ثبات قدم تشویق مینماید و چنین میفرماید : با اهریمن و اهریمنان مردانه بجنگید و دغدغه بمخاطر راه ندهید که بالاخره علم کامیابی را بردوش خواهید گرفت .

در سایه اراده قوی است که یکنفر حقیقت گو و حقیقت بین قلم در دست گرفته و بسوسله روزنامه یا مجله که نمایندۀ افکار عالیه او است با عزم تزلزل تا پذیری کن افشای عیوب و مفاسد اخلاق قوم خود و اظهار دردهای اصلی و جهات انحطاط و تنزل وطن خود خامه رانی نموده و هموطنانش را از پرتگاه هلاکت و بدبختی و ارهانیده و بشاهراه ترقی و سعادت هدایت میکند و در این راه خطرناک مشقات و سختیهای طاقت فرسائی را که متوجه او میشود بکام این قوه رد نموده و خارهای موانع را در زیر پای خویش پرنیان انگاشته و در روی ان با نشاطی مر شمار این راه باریک را میپیاید و تا آخرین نفس

از نشر حقانیت کوتاهی نخواهد کرد و هر وقت که از سرزنشها و حق شناسیهای هموطنان خویش افسردگی و دلسردی شهرستان وجودش را مسخر میکند و از بیمودن این راه دور و دراز و پرخطر خسته میشود آن فرشته غیبی اراده قوی و آن مشوق حقیقی تازیانه تشویق را بحرکت آورده و او را از پای عقب کشیدن و دست از وظیفه مقدس خود برداشتن باز داشته و قلبش را تسکین میدهد و کلمات ذیل را بگوش او میخواند و بدینوسیله آب امید بر آتش نومیدی میریزد و نازه آن را فرو می نشاند:

ای دوست حقیقی من اگر چه این راه ملویل و خطرناک است ولی هر راهی را پایانی و هر سختی را راحتی در عقب است. غبار خستگی را از چهره نورانیت پاک کن و قدمهای بلند بردار که در انتهای این راه گنجهای بسیار مکنون است و معشوقه مراد تو در آنجا غنوده است و اگر خود را بدانجا رسانی آن گنجهای گرانها را بچنگ و دلداری از تو بدست خواهی آورد و بدانکه بی رنج گنج میسر نمی شود و بی جان فشانی وصال حاصل نمیگردد! میباید به جدوجهد در کار - دامان طلب ز دست مگذار - هر چیزی که دل بدان گراید - گر جهد کنی بدست آید. این میشود که آن حقیقت گو دو مرتبه دل گرم شده با عشقی بیش از پیش به عمل خویش ادامه داده بلکه از روز اول قدمهایش را بلند تر و نونک خامه اش را تیز تر مینماید.

آری جهانگیران بزرگ و کشور کشایان سترک بوسیله همین حربه توانستند که انهمه فتوحات و اعمال خارق العاده را که صفحات تاریخ عالم را ارایش داده حاصل کنند.

کمال پاشای ترک به کمک عزم فولادین خود آن جهل و تعصب بیجا را که سالها در صفحه ترک مانند ایران بدبخت حکمفرمایی میکرد بر انداخت و وسائط ترقی اروپا را اختیار نمود و آن ترکان شهبازه کسیخته را حیاتی تازه بخشید. جدو جهد و جانبازی جوانان قوی الاراده ترکیه آن سر زمین را از لوٹ خرافات و موهومات زدود نوک قامهای آتشین دانایان و نویسندگان ترک پرده های تو در توی جهل را از هم گسیخت.

از پرتو اراده قوی امیر امان الله خان اعلیحضرت افغانستان ملت افغان آن ترقی را که امروز مشاهده میکنیم حاصل کرد.

برجسته ترین افتخارات ایرانیان قدیم این است که بیش از سایر ملل اراده آهنین را در سینه خود پرورش میدادند و همواره برای ترقی وطن و ترویج مذهب و مقاصد پاک دیگر این قوه را که سر لوحه دفتر ظفر و کامیابی است رهبر خود قرار میدادند و بالاخره خود را بمقصد نائل میساختند. این است که اعمالشان زینت بخش تواریخ شرق و غرب است و جهان را بتحیر و ستایش واداشته و از در و دیوار صدای احسن و آفرین بلند است. آری سلحشوران و جوانان ایران قدیم برای استقلال و وطن خویش و بر انداختن دشمنان وطن و دین خود قد مردانگی علم نموده و سر خود را در کف گرفته در میدان میارزه با دشمنان و اهریمنان حاضر میشدند. ایرانیان قدیم چنان در رای خود ثابت بوده اند که هیچ چیز نمیتوانسته است آنها را از عمل مانع شود چنانکه یکی از پادشاهان مشهور موسوم به خشایارشا « کزرسس » در وقتیکه میخواست بخاک یونان لشکر کشی نماید حکم کرده بود که در تنگه اسلامبول پلی بسازند که از روی آن با اردوی

خود بگذرد. اتفاقاً آن یل بواسطه طوفان شدیدی خراب گردید
خشایارشا امر فرمود تا امواج دریا را سیصد تازیانه زدند و امر کرد یل
دیگری از نو ساختند و از روی آن با لشکر خویش گذشت و بدین
طریق عزم خود را حتی به ابهای دریا نشان داد.

اگر چه بعد از استیلای عرب بر عجم آن آتش فرخنده مانند
صفات دیگر ایرانیان رو بخموشی گذاشت و گرد نیستی چهره اش را
فرا گرفت ولی باز موجودیت خود را نگاهداشته و در هر عصر و
زمان مادر وطن اشخاص بزرگ بوجود آورده ثابت کرده است که این
روح هنوز زنده است و نخواهد مرد. نانکه در خلافت عباسیان
یکنفر ایرانی حقیقی موسوم بیعقوب قدم در عرصه وجود گذاشت و
تا اندازه ایران را از تحت تسلط عرب بیرون آورد و چنین ثابت کرد
که روح ایرانی زنده جاوید است و مانند نادر افشار که در سایه عزم
ثابت خویش خود را بمقام پادشاهی رسانید و یاغیان و طاغیان که در
زمان شاه سلطان حسین بنای تترکشی را گذاشته بودند منکوب و
مخدرل نمود و روس و عثمانی را که طامعه شان بمرکت آمده بود و دیده
طمع بخاک ایران دوخته بودند بر جای خود نشانید و مختصر ما را
نزد اجانب رو سفید کرد.

در موقعیکه روسها در سواحل بحر خزر تجاوز نموده بودند آن
مظهر اراده قوی پیغام به سردار روس فرستاد که قشون خود را از
خاک ایران بیرون بر و الا حکم میکنم که لشکریان تو را مانند خس و
خاشاک باجاوب بدریاریزند این بود که سردار روس قشون خود را از
ایران بیرون برد.

مادر ثانی اعلیحضرت رضا شاه پهلوی در پرتو عزم آهنین خود
زمام امور را بکف گرفته و استقلال ایران را که بموئی اویخته بود
محکم نموده خائنین را به دار فنا آویخت و ایران را امنیت بخشید.
مختصر کرد آنچه را که دیدیم و خواهد کرد آنچه را که بعد از این
خواهیم دید.

اینها مختصری بود از فوائد داشتن عزم قوی و اراده تزلزل ناپذیر
و مقصود از نگارش این سطور این بود که پرده عبرتی در جلو انظار
جوانان ایران گذاشته شود.

ایرانیان قدیم چنانکه ذکر شد مقصد پاکی را هدف امال قرار
میدادند و در انجام آن سختی را بر خود هموار می نمودند و پروانه
وار از سوختن پرو بال خویش باك نداشتند این بود که در آن زمان
ایران مهد تمدن و علم و منبع شرافت و جلال بود ایرانیان امروزی
بواسطه جن و نداشتن عزم راسخ و ثبات قدم در هیچ کاری که ترقی
و وطن و خودشان در آن است گام نمیگذارند و اگر گاه گاه
يك نفر از سختی که در آن غوطه وراست بکنگ آمده در راهی قدم
نهد بمجرد تصادف با جزئی اشکال و سختی با عقب گذاشته دست از
کار میکشد. از گرگ پرسیدند که سبب اینکه روزها در ابادی قدم
نمیگذاری و در مغاره ها و کوهها متواری و پنهانی چیست؟ جواب
داد از اعمال شبم است اگر از ما پرسند که چرا در بدبختی کنونی
دچاریم باید سر خجلت بزیر افکنده جواب دهیم از اعمال سوء و غفلت
و تنبلی مان است.

راهبائی که ضامن ترقی ایران و نشان دهنده جاده تیکبختی است

عبارات از ترویج معارف ، تهذیب اخلاق جامعه ، دریدن پرده اوهام ، شکستن سد های ترقی و غیره است که دانایان در هر زمینه شرحهای مبسوطی نگاشته و لازم بتکرار نیست .

جوانان ایران ! امروز روز ان نیست که هر صملی را حواله به قضا و قدر نموده خوشحال باشیم بافتخار اینکه اجداد ما کیان بودند و چه کردند . امروز بازار داشتم داشتم کساد و بازار دارم دارم رواج است باید آنچه را که داشته ایم بدست آریم نه اینکه تنها خوشدل باشیم که در زمان قدیم شوکت داشته ایم . مقدرات ملت یعنی پستی و ترقی آن بدست خود ما است اگر امروز قدمی در راه ترقی خود برنداریم در محکمه انسانیت محکوم خواهیم بود و نژاد نوزاد ما را لعن خواهند فرستاد که هیچ کار نکردیم و رفتیم .

چه حاجت در این کار گفتن بسی

که حرفی بس از کار بندد کسی

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مهربان شهباز معلم مدرسه شهرداری در کرمان